

دانلود جزوه خلاصه حقوق مدنی 4

[برای دانلود جزوه کامل اینجا کلیک کنید](#)

نمونه متن جزوه:

مبنای مسئولیت در قانون مدنی :

در حقوق ایران وقتی می‌خواهیم مبنای مسئولیت را بحث بکنیم ، تا قانون مختلف را باید در نظر بگیریم : - قانون مدنی.

- قانون مسئولیت مدنی مصوب .

منظور از اتلاف در قانون مدنی، اتلاف مستقیم و بدون واسطه است و مسئولیت پذیرفته شده در اتلاف، مسئولیت نوعی و بدون تقصیر است. یعنی وقتی ما باعث تلف مال شخصی بشویم، چه مقصر باشیم و چه مقصر نباشیم، مسئول تلقی می‌شویم که به این مسئولیت، مسئولیت نوعی / مطلق / بدون تقصیر می‌گویند.

مبنای مسئولیت در تسبیب، در قانون مدنی، اختلافی است. برخی از حقوقدانان، تقصیر را شرط میدانند و برخی دیگر تقصیر را شرط نمی‌دانند مثل دکتر صفایی .

مثلا ماده : هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد باید از عهده ی نقص قیمت آن برآید.

در این ماده، اصلا تقصیر قید نشده، اما در مواد تا ، کلمه ی تقصیر به کار رفته. به همین خاطر هم هست که بین حقوقدان ها اختلاف شده.

ماده : صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه مسئول خساراتی است که از خراب شدن آن وارد می شود مشروط بر این که خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالک مطلع بر آن بوده یا از عدم مواظبت او تولید شده است یعنی همان تقصیر.

دکتر صفایی می‌گوید وقتی که قانونگذار در بقیه ی مواد تقصیر را آورده، برای احراز رابطه ی سببیت اثبات تقصیر لازم است، نه اینکه تقصیر رکن مستقلی در مسئولیت باشد. یعنی لازم است که ثابت بکنیم که تلف به واسطه ی این تقصیر بوده، نه اینکه رکنی باشد برای اثبات و مطالبه ی خسارت.

پس، مبنای مسئولیت در قانون مدنی، اتلاف و تسبیب بود. که اتلاف، مسئولیت نوعی و بدون تقصیر بود و در تسبیب اختلاف بود که برخی این را هم مسئولیت نوعی و بدون تقصیر میدانند و تقصیر را شرط نمیدانند، مثل آقای صفایی. و برخی دیگر به استناد مواد تا تقصیر را شرط میدانند، مثل دکتر امامی.

تحول حقوق ایران با تصویب قانون مسئولیت مدنی :

قانون مسئولیت مدنی، سالها بعد از قانون مدنی تصویب شد و یک تحولی در حقوق ایران بوجود آمد، چون به واسطه ی قانون مسئولیت مدنی، مبنای مسئولیت مدنی به طور کلی، تقصیر شد.

ماده : هر کس بدون مجوز قانون عمد ا یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود میباشد.

قید عبارت " عمدا یا در نتیجه ی بی احتیاطی " به وضوح یعنی تقصیر.

پس در ق.م.م، اصل بر مسئولیت مدنی بر تقصیر است. اما این اصل، همیشه استثنائاتی هم خواهد داشت و در مواردی در قوانین مختلف می بینیم که این ماده ی ق.م.م تخصیص خورده. این استثنا ها، مسئولیت نوعی یا بدون تقصیر است یعنی مبتنی با نظریه ی خطر.

تشخیص اتلاف و تسبیب :

علت اینکه ما باید اتلاف و تسبیب را از یکدیگر تشخیص بدهیم این است که بنا بر نظر اکثریت، حکم اتلاف و تسبیب یکسان نیست. گفتیم که مسئولیت در اتلاف در ق.م.م، نوعی و بدون تقصیر است و مسئولیت در تسبیب، طبق اصل کلی مندرج در ماده ی

ق.م.م، مبتنی بر تقصیر است.

پس چون اتلاف بدون تقصیر و تسبیب با تقصیر است، این دوتارا باید از هم تشخیص بدهیم. یعنی اگر یک مالی از شما، توسط من از بین رفته، باید ببینیم این از بین رفتن، منطبق با اتلاف است یعنی در تعریف اتلاف قرار میگیرد یا با تسبیب؟

حکم ماده ها خیلی باهم فرق میکند. در جاییکه اتلاف هست، همین که ثابت بکنید که الف مال شما را تلف کرده، الف مسئول تلقی می شود و باید خسارت بدهد. اما اگر بگویید که الف، سبب از بین رفتن مال شما شده، تقصیر او را باید ثابت بکنید. پس در اولی باید ثابت بکنید که مالتان از بین رفته و در دومی علاوه بر اینکه باید ورود ضرر و خسارت به مالتان را ثابت بکنید، باید تقصیر الف را هم ثابت بکنید، که خب کار سخت تر می شود.

در فرق بین اتلاف و تسبیب باید گفت که :

-در اتلاف، تقصیر شرط مسئولیت نیست ولی در تسبیب، تقصیر شرط مسئولیت است.

- در اتلاف، ایراد خسارت به طور مستقیم و بلاواسطه است ولی در تسبیب، ایراد خسارت به طور غیرمستقیم و از طریق ایجاد سبب است؛ مثل اینکه کسی چاهی در معبری حفر کند و عابری در آن بیوفتد و زیان ببیند.
- در اتلاف، ضرر باعمل مثبت مادی بوجودمی آید، در حالیکه در در تسبیب، عمل زیان آور ممکن است فعل یا ترک فعل باشد.

همیشه تشخیص اینکه موضوع اتلاف است یا تسبیب، آسان نیست، چرا که : اولاً، معیار اول یعنی لزوم یا عدم لزوم تقصیر، فرع بر شناخت ماهیت اتلاف و تسبیب است و نمی تواند در تشخیص این دو مفهوم سودمند باشد.

دوما، معیار دوم یعنی مستقیم یا غیرمستقیم بودن ایراد خسارت هم روشن و مشخص نیست.

سوما، معیار سوم هم قابل خدشه است. چون ممکن است اتلاف، نتیجه ی خودداری از انجام دادن کاری باشد. مثل اینکه شخصی که متعهد به نگهداری حیوان شخص دیگری است، عمداً از دادن آب و غذا به او خودداری کند و حیوان تلف شود.

ولی به هر حال، چاره ای جز این تقسیم بندی نداریم. در حقوق ما هم، این نظر که به نفع زیان دیده است را باید پذیرفت که در

خیلی جاها، همین که به دیگری خسارت وارد می شود، ایراد ضرر اگر به طور مستقیم باشد، ما نیازی به اثبات تقصیر نخواهیم داشت.

اما خلاصه ی کلام این است که به نظر میرسد معیار تفکیک اتلاف از تسبیب، عرف است. عرف باید قضاوت بکند که این ورود خسارت به واسطه ی اتلاف است یا تسبیب. اصولاً جاییکه برای اتلاف واسطه ای نیست و اتلاف بالمباشره اتفاق می افتد که کاملاً واضح است. اما تشخیص مصداقی اش، گاهی اوقات برای قاضی سخت میشود که در آنجا باید به عرف مراجعه کرد .